



مشارکت اختیاری یا اجباری

نوشته: شادروان حسین سالکی

بنابر یک ضرب المثل چینی، پدری که هر روز یک ماهی به فرزند خود می‌دهد غذای یک روز او را تأمین می‌کند، اما آن پدری که شیوه ماهیگیری را به فرزند خود می‌آموزد، معیشت تمام دوران زندگی او را فراهم می‌آورد.

سازد در کار مشارکت درنگ نخواهند نمود ولو آن که ندانند نحوه آن چگونه باشد. کم سواد و ناآگاهی طبقه زحمتکش و مولد ثروت جامعه‌های جهان سوم و دسترسی نداشتن آنها به اطلاعات حقوقی و اداری و فنی مانع اصلی سازمان دمی نیاز مشترک و چگونگی همکاری برای برآوردن آن است. و این مهم‌ترین وظیفه‌ای است که مسئولان امور باید بر عهده گیرند. از این رو است که اگر تأمین اعتبارات و کمک‌های صرفاً فنی و حرفه‌ای با آگاهی‌های مربوط به نحوه استفاده از آن همراه نگردد ولو آن که نتیجه کار در همین حد یا موفقیت همراه باشد در مراحل بعد هیچ یک از دو طرف کمک دهنده و کمک گیرنده نمی‌توانند از کار خود سودی به دست آورند.

مثلاً اگر به شماری از کشاورزان نحوه کشت و کار و نحوه بهره‌برداری مشترک و تعاونی را بیاموزیم اما در دادن آگاهی و تأمین وسایل بازاررسانی محصولات کشاورزی شان کوتاهی کنیم حاصل دسترنج آنها به جای آن که به جیب خودشان برود، در بست تحویل سلف خرما و واسطه‌های تجاری می‌گردد. در مورد شرکتهای تعاونی مصرف، مسکن و سایر خدمات مصرفی و تولیدی نیز همین مثال صادق است.

بنابر یک ضرب المثل چینی، پدری که هر روز یک ماهی به فرزند خود می‌دهد غذای یک روز او را تأمین می‌کند، اما آن پدری که شیوه ماهیگیری را به فرزند خود می‌آموزد، معیشت تمام دوران زندگی او را فراهم می‌آورد.

سازماندهی اقتصادی و اجتماعی در جهان امروز مانند شیوه و روش صید ماهی است، لذا آن کسی که با روش درست شکار آشنایی دارد دست خالی از صیدگاه سباز نمی‌گردد و گرنه دادن قلاب، تور

کسب سود هدف دیگری ندارد یا عضویت در یک سازمان اجتماعی که به قصد خدمت و از میان بردن پاره‌های مشکلات صنعتی یا اجتماعی است، با میل به همکاری توأم است و لذا نمی‌تواند با زور و اجبار صورت گیرد از این روی مشارکت و میل به همکاری باید از درون و اندیشه افراد بجوشد.

همچنان که انگیزه کسب درآمد چند سرمایه دار را به تشکیل یک شرکت توزیعی یا تولیدی و سرمایه گذاری در آن وا می‌دارد به طور یقین مصرف کنندگان و تولید کنندگان محصولات کشاورزی و صنعتی نیز چنانچه دریابند که همکاری و مشارکت آنها می‌تواند مشکلی از مشکلات زندگی اجتماعی و اقتصادی‌شان را بر طرف

از آن جا که نفس مشارکت دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است، عضو شرکت‌های تعاونی به سبب جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی‌شان در حکم گلوبلهای قرمز و سفید بدن انسان بوده و همچنانکه کمی یا زیادی یکی از این دو سلامتی بدن را مورد تهدید قرار می‌دهد نارسایی مشارکت اجتماعی و اقتصادی ادامه حیات شرکتهای تعاونی را دستخوش تزلزل می‌سازد تا آن جا که اگر بعد اجتماعی خود را از دست بدهد اگر بتواند بر سر پای بماند هدف خود را که خدمت به اعضاء و اصلاح نظام نادرست سنتی سود گرانه است گم می‌کند. مشارکت به هر صورتی که باشد چه خرید سهم در یک شرکت تجاری که جز

ماهگیری، طعمه و قایق به ماهگیر ناآگاه به آن ماند که به کشاورزان بی اطلاع از رانندگی و تعمیرات فنی، تراکتور بسپاریم، یا به هیأت مدیره و هیأت عامل بیسواد یا کم سواد و ناآگاه از امور دفتر داری و حسابداری دفتر و دستک پلمپ شده و لوازم التحریر هدیه کنیم. اما برعکس اگر نحوه مدیریت اجتماعی و شکل صحیح نگهداری حساب و کتاب و برنامه ریزی اقتصادی و تولید و توزیع را به افراد یاد بدهیم به نحوی که خودشان بتوانند همه امور مربوط به کسب و کار خود را در دست گیرند و طبعاً از نتایج پرسود و دلگرم کننده آن بهره مند گردند، در کار جلب مشارکت مردم، توفیق بزرگی را به دست آورده ایم. پس مشارکت الزاماً باید داوطلبانه و اختیاری باشد.

لازم به یادآوری است که میان وسیله‌ها و هدفها رابطه درونی وجود دارد، لذت طرز کار نشان خواهد داد که باید چه نتیجه‌ای را انتظار داشت.

زندگی ما انسانها عیناً شبیه یک صفحه نمایش است که افراد بی‌هتر نمی‌توانند بازیگران آن باشند. هیچ موجود زنده‌ای حاضر نیست مراقبت از نوزاد خود را تا پایان زندگی بر عهده گیرد، لذا کافی است که نوزاد بتواند بر سر پای خود بایستد و از خود دفاع کند و توانایی کسب روزی را داشته باشد و مادر در آموختن این کار به بچه او را یاری داده و تجربه زندگیش را به آن می‌آموزد و دیگر هیچ، در این زمینه دو کار را می‌توان کرد:

- ۱- ایجاد محیط حسن تفاهم و اعتماد به نفس.
- ۲- آموزش روش کارهای اقتصادی و اجتماعی البته نه با روش پدر سالاری.

نمونه‌هایی از مشارکت اختیاری و اجباری

به گفتارهای پیشین باید افزود که اعتماد متقابل، شناخت نیاز مشترک، میل به مشارکت و همکاری، احترام به اصل آزادی، انتخاب خودمختاری زمینه را برای مشارکت افراد فراهم می‌کند و رعایت نکردن این اصول، بدگمانی، گوشه‌گیری، تک روی و دلسردی را دامن می‌راند.

وقتی کارگران نفت جنوب می‌بینند به رغم مبارزات استعماریشان که منجر به خلع ید از شرکت سابق خارجی نفت در ایران می‌گردد، سر و کله کنسرسیوم بین المللی به عنوان جانشین شرکت سابق شاه‌رگ اقتصاد و در نتیجه نبض سیاست داخلی و خارجی کشور را پس از آن همه کشمکش‌های ثمر بخش به دست می‌گیرد، و بر تمام دستاوردهای سیاسی و اقتصادی مردم مهر باطل می‌زند، چگونه می‌شود انتظار داشت که مردم به کارشناسان تعاونی که از سوی دولت مغلوب و کنسرسیوم غالب به منطقه جنوب می‌روند اعتماد کنند و به حرف آنان گوش دهند و در شرکت‌های تعاونی مصرفی عضو شوند که به راهنمایی آنان قرار بود تأسیس گردد. نتیجه این می‌شود که کارگران از حضور در جلساتی که پیرامون نحوه تشکیل و اداره شرکت تعاونی مصرف بر پا می‌گردید حاضر نشوند، اما همان کارگران در بازی «دومینو» که در همان محل یعنی باشگاه انجام می‌شد، برای شرکت در آن سر از پا نشانحته و تعداد بازیکنان دو مینو آن قدر زیاد بود که در باشگاه جایی برای انداختن سوزن یافت نمی‌شد.

اما همان کارگران صنایع نفت، ساکن منطقه لالی با همکاری و مشارکت یکدیگر هزینه ساختن یک مدرسه بزرگ را که

بسچ‌هایشان می‌بایست در آن درس بخوانند، تأمین و پرداخت کرده‌اند و در مقابل از خرید یک سهم، چند ده ریالی شرکت تعاونی مصرف خودداری کردند! زیرا می‌دانستند که کنسرسیوم نفت و شرکای بومی شان این کار را جدی نگرفته و در صورت جدی گرفتن مانع از آن می‌شدند که کارگران بتوانند آن شرکت را به سود و به رأی خود اداره کنند. وجود سازمان تدارکات نفت این فرض را سال بعد به اثبات رسانید که رییس ایرانی شرکت ملی نفت ترجیح می‌داد که کارگران و کارمندان نفت مواد مصرفی خود را بی آن که در مدیریت آن در دخالت کنند در اختیار گیرند.

شرکت‌های گوناگون

سالهای زیادی می‌گذرد که فعالیتهای بازرگانی (خرید و فروش) به گونه شرکت جریان می‌یابد. بودن همین سازمان‌های حقوقی - اقتصادی است که موجب شده بازرگانی و تولیدات صنعتی و کشاورزی از چنان رونق فزاینده‌ای در سطح بین المللی برخوردار شود. نهادهای اقتصادی از این گونه، نوعاً با مشارکت چند نفر سرمایه دار (سهام دار) پدید می‌آید که به صورت یک شخصیت حقوقی به جای اشخاص حقیقی سابق همان کار داد و ستد را در حجم و سطح گسترده داخلی و خارجی انجام می‌دهد. چنین روندی چنان که در گذشته نیز اشاره داشتیم لزوماً با مشارکت افراد همراه است.

شرکت‌های تجاری چه تولید یا توزیعی داشته باشند از نمادهای رشد و گسترش حیات مادی و اجتماعی جهان معاصر محسوب می‌گردند. بودن آنها سبب می‌شود سرمایه‌های کوچک که به طور انفرادی از توان زاینده‌ی فراوان برخوردار نیستند در پرتو وجود این

شرکتها فرصت یابند و در چرخه فعالیتهای اقتصادی برای صاحبان خود و ایجاد اشتغال برای جامعه مفید واقع شوند.

در سایه کار و تلاش همین شرکتهاست که ترابری عظیم هوایی، دریایی و زمینی به وجود آمده و قادرند منابع تولید و مصرف را در سطح جهانی به نحوی مؤثر پوشش داده و میلیاردها تن کالای خام و قابل مصرف را جابجا کرده و نقل و انتقال دهند و نیز از پرتو تلاش شیبانه روزی آنهاست که میلیونها نفر انسان به صورت کارگران ساده، کارگران مستخدم، مهندس، حسابداران، مدیران، طراحان اقتصادی، حقوق دانها، فرصت می یابند تا توانهای جسمی و فکری خود را در خدمت به پیشرفتهای مادی و معنوی انسان به کار اندازند.

از آن جا که شرکتهای به گونه های متفاوت و با وسایل و هدفهای خاص شرکاء شکل می گیرند در اساسنامه و آیین نامه هایشان نحوه مشارکت شرکا نیز تعیین می گردد.

این گونه شخصیتهای حقوقی را نوعاً می توان به دو دسته بخش کرد که گروهی با هدف انتفاع شخصی و فردی به کار می پردازند و دارندگان سهم های بیشتر گردانندگان اصلی چرخه آن واحد اقتصادی هستند، یعنی خط مشی کار شرکت را صاحبان سرمایه های بزرگ معین می سازند. گروه دوم صاحبان سهام کوچک هستند که جز خرید چند سهم نقش دیگری در کار مشارکت آن ایفا نمی کنند.

شرکتهای تعاونی تولید، مصرف (توزیع)، مسکن، اعتبار، و دهها نوع از خدمات تولیدی و مصرفی گونه های دیگری از شخصیت های حقوقی اقتصادی و اجتماعی اند که تصمیمات و تعیین خط مشی کار و مدیریت آنها نه بر مدار سرمایه

بلکه بر تصمیم و رأی اعضاء (سهامداران) بدون در نظر گرفتن میزان سهامشان به گردش در می آیند.

یک واحد تولیدی یا توزیعی خصوصی (سرمایه داری) محصول کار یا خدمات خود را به گروه های خاصی از مردم ارائه نمی کند. همه کسانی که استفاده کننده یا مصرف کنندگان آن کالا باشند، می توانند مشتریان این شرکتهای باشند و هدف نهایی مدیران و صاحبان یک شرکت سهامی تضامنی و نسبی بازرگانی کسب سود هر چه بیشتر است. یعنی افزودن به میزان سرمایه اولیه خود از راه تولید و فروش کالاهای مورد معامله ولو به زیان خریداران و مشتریان و مصرف کنندگان. اما گونه دوم یعنی شرکتهای تعاونی با هدف خدمت و بر آوردن نیازهای تولیدی و مصرفی اعضاء (سهام داران) خود پدید آمده و در نتیجه گروه های مشخصی از افراد جامعه چون کشاورزی (شرکت تعاونی کشاورزی) کارگران صنعتی (شرکت تعاونی مصرف) اجاره نشینان (شرکت تعاونی مسکن) نیازمندان به وام و اعتبار (شرکت تعاونی وام و اعتبار)

اگر به سماری از کشاورزان نحوه کشت و کار و نحوه بهره برداری مشترک و تعاونی را بیاموزیم اما در دادن آگاهی و تأمین وسایل بازررسانی محصولات کشاورزی شان کوتاهی کنیم حاصل دسترنج آنها به جای آن که به جیب خودشان برود، در بست تحویل سلف خررها و واسطه های تجاری می گردد. در مورد شرکتهای تعاونی مصرف، مسکن و سایر خدمات مصرفی و تولیدی نیز همین مثال صادق است.

مسافران شهری (شرکت تعاونی اتوبوسرانی و ...) رانندگان (شرکت تعاونی تعمیرات فنی و مکانیکی و وسایل نقلیه مسووری) دانش آموزان و دانشجوین (شرکت تعاونی تهیه و تولید لوازم درسی و آموزشی) ورزشکاران باشگاه تعاونی تهیه (وسایل ورزشی و خدمات مربوط به آن) و دهها نوع دیگر که حتی خدمات مربوط به کفن و دفن مردگان، بیمه عمر و بیمه محصولات کشاورزی، مسکن و مانندهای آن را می تواند مشمول خود سازد.

با بین فوق می توان گفت که از تفاوت های نمایان این دو نوع شرکت و مشارکت این است که گونه اول صرفاً اقتصادی و نوع دوم (تعاونی ها) دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی هستند زیرا در این گونه سازمانهای اقتصادی، اجتماعی انسان به عنوان عضو، حالت فاعلی دارد (از خرید یک سهم تا حضور در مجمع عمومی و انتخاب هیأت مدیره و ... و به صورت عضو هیأت مدیره و بازرسی به طور مستقیم و غیر مستقیم حاضر و ناظر بر جریان امور شرکت است).

لازم به یادآوری است که در یک جامعه غیرتعاونی، شرکتهای تعاونی کشاورزی می توانند محصولت خود را در هر بازاری که خواستار آن باشند عرضه نمایند اما در یک نظام اقتصادی و اجتماعی تعاونی که مصرف کنندگان جز از کانال شرکتهای و اتحادیه های تعاونی ارتزاق نمی کنند، مناسبترین مشتریان فرآورده های غذایی هستند که از سوی شرکتهای تعاونی کشاورزی تولید و عرضه می گردد.

هر قدر که سهام دار جزء یک شرکت تجارتي فاقد اختیار در تعیین خط مشی و مدیریت شرکتی است که در آن سهم دارد، در شرکتهای تعاونی، اعضاء به طور نامحدود از این حق برخوردارند که با

وجود انتخاب هیأت مدیره و هیأت عامل و بازرسان در هر زمان می‌توانند به جریان امور شرکت نظارت و موارد ایراد را به مسئولان انتخاباتی یادآوری و در صورت رفع نشدن تصمیم به عزل و ادعای خسارت از آنها کنند. به این ترتیب عنصر مشارکت از همان بدو امر تا مراحل بعدی کار نقش تعیین کننده را ایفا می‌کند.

نظر به این که اینگونه نهادهای اقتصادی و اجتماعی دارای مکانیسم‌های حقوقی و اجتماعی نسبتاً پیچیده‌ای هستند و نیز از آن جا که شرکت‌های تعاونی مصرف و تولید توسط افراد وابسته به گروههای فرودست و کم درآمد جامعه و نوعاً بی‌سواد و کم‌سواد و عاری از آگاهیهای مربوط به آن تشکیل می‌شود هنگامی می‌توانند از مشارکت مؤثر اجتماعی و اقتصادی اعضای خود برخوردار شوند که از راه آموزش اعضاء (سهامداران) بتوان خلأ کمبود سرمایه را پر نمود و از این عامل جمعی مشارکت بشود بسیاری از نابسامانی‌های عمومی را سامان بخشید.

جامعه‌های جهان سوم و مشارکت

از عوامل بازدارنده مشارکت در جهان سوم، استفاده نکردن از نیروهای انسانی و پراکندگی امکانات مادی است. این کشورها اگرچه سالها است که از یوغ استعمار رها شده‌اند اما همچنان به همان شیوه عصر استعمار اداره می‌شوند. یعنی اداره امور بدون مشارکت مردم. حتی در برخورد با ساده‌ترین مسایل عامل مشارکت مردم به عنوان راه حل مورد توجه نیست. در این جامعه‌ها، الگوها یا اقتصادی خصوصی بی بند و بار است یا سیستم بسته دولتی که هر دو با نفس مشارکت مردم در تعارض بوده و منشأ فساد و نارساییهای عمومی هستند. در حالی که در تمام جوامع بشری منجمه



در حالی که کشاورزی مملکت از نداشتن مهارت‌های علمی و فنی رنج می‌برد و صنایع نیز اگر وجود داشته باشد همچنان زیر نظر کارشناسان بیگانه اداره می‌شود. چگونه می‌شود برای بازسازی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، مشارکت این نیروها را به یاری خواست؟ آیا نمی‌شود بخش چشمگیری از درآمدهای عمومی را به جای عمران و توسعه شهرها و ایجاد تسهیلات رفاهی در آنها، صرف ایجاد تأسیسات رفاهی و تولیدی در روستاها کرد تا طبقه تحصیل کرده متمایل به اقامت و کار در مزارع شوند؟ یا این که از جوانان جویای نام بخواهیم با همان امکانات ابتدایی و نبودن کمترین وسیله کار و زندگی ساکن دشت‌ها و بیابان‌های دور افتاده شوند که چنین توقعی دور از انصاف به نظر می‌رسد!

رساندن برق، کشیدن راه و جاده اتومبیل رو، تأمین آب آشامیدنی، سالم سازی، ساختن خانه‌های بهداشتی و قابل سکونت کردن خانه‌ها طبق استانداردهای امروزی مسکن، تأسیس آزمایشگاههای خاک‌شناسی و کشاورزی، ساختن مراکز تعمیرات تراکتور و ماشین آلات کشاورزی، بنای انبارهای مشترک و به وجود آوردن مرکز تلقیح و واکسیناسیون و مبارزه با آفات گیاهی و دامی و سپردن این تأسیسات به اضافه زمین و منافع آب زراعی به گروههای تحصیل کرده و دانشگاهی و مدارس متوسط و عالی به صورت داریی مشترک و تملک تعاونی با ضمانت‌های قابل برگشت سرمایه گذارهای انجام شده، گام بزرگی است که می‌تواند ماهرترین و فعال‌ترین نیروهای انسانی جوان را به تلاش و مشارکتی وادارد که حاصل آن ضامن رفاه و ترقی مردم و مملکت است.

نقل از: کتاب مشارکت

اعتماد متقابل، شناخت نیاز مشترک، میل به مشارکت و همکاری، احترام به اصل آزادی، انتخاب خودمختاری زمینه را برای مشارکت افراد فراهم می‌کند و رعایت نکردن این اصول، بدگمانی، گوشه‌گیری، تک روی و دلسردی را دامن می‌زند.

جامعه‌های جهان سوم عامل بالقوه مشارکت وجود دارد که با شناخت صحیح می‌شود آنها را به سازمان داد و به صورت فعال در آورد. دانش‌آموزان و دانشجویان این کشورها بعد از خاتمه دوران تحصیل هنوز نمی‌دانند که برای امرار معاش خود چه کاری باید بکنند و چه کاری از آنها ساخته است. تلاش سیستم آموزشی کشور تربیت کادر برای دوایر دولتی است